



## انقلاب اسلامی یا استبداد مذهبی در ایران؟

نوشته ضیا، ناشر هفته نامه "افق" استرالیا

در هفته گذشته، خبر غیر قابل باور و سخت تاسف بار، از رسانه ها به نشر رسید و آن تخریب یگانه مسجد سنی ها در منطقه (پونک) تهران یا پایتخت جمهوری اسلامی ایران می باشد که از طرف مقامات جمهوری اسلامی منهدم شده است. این عمل نه تنها موجب جریحه دار ساختن جماعت ملیونی سنی های ایران و مسلمانان جهان، بلکه زمینه تمسخر غیر مسلمانها را نسبت به این قضیه فراهم می کند.

**نگاهی به گذشته:**

پیش از به قدرت رسیدن آقای خمینی در ایران، نه تنها دولت شاهی ایران با ادیان غیر اسلامی و مذاهب اسلامی میانه عادی داشت بلکه اتباع ایران نیز ازین ناحیه به کدام مشکل جدی مواجه نبودند. یعنی پرابلم شیعه و سنی احياناً در میان آخوند های متعصب اگر وجود می داشت اما مقوله های مسجد و مذهب یا ادیان یهودی، نصرانی، زرتشتی ... نقل یا مُرچ زبان مردم نبود و هرکس به دنبال آیین خودش بود.

صدای (انقلاب اسلامی) توسط رهبر مذهبی ایران از اروپا به گوشها رسید. اینکه آن صدا خود جوش بود یا چگونگی اوضاع حمایت مردم را به آن افزوده بود و یا نهاد ها و کشور ها در عقب آن بود تا هنوز مورد بحث است. آنچه هویداست، شعار ( **انقلاب اسلامی** ) بود، نه ( **انقلاب شیعه** ) که ( انقلاب اسلامی ) یک کلیت اسلامی را فارغ از مذاهب افاده می کرد و تاکید آقای خمینی نیز بر همین اصل استوار بود.

اسلام باوران ایران اعم از شیعه و سنی که لابی گری ها و شعار های مبنی بر بی توجهی به دین، غرب زده گی و بی بند وباری علیه رژیم شاهی را از زبان حامیان (انقلاب اسلامی) شنیده بودند، به پیروزی آن علاقه و دل بندی نشان می دادند و حتی مردم برخی کشور های اسلامی، تفکر آقای خمینی و (انقلاب اسلامی) را پدیده های اسلامی بدون مرز تصور می کردند. ولیک با گذشت اندک زمان، دیده شد که داعیان ( انقلاب اسلامی ایران) نخستین حربه های مذهب ستیزی را علیه سنی مذهب کشور خود شان (که بعداً هزاران جوان سنی مذهب در جنگ باعراق کشته شد) به کار گرفتند. سنی مذهبیان روز تا روز از محدودیت ها و قیودات بر مناسک دینی و مذهبی تا عدم راه یابی آنها به مقامات عالی دولتی و ده ها محرومیت دیگر، در تنگنا قرار گرفتند. تا جایی که بار بار مردم، علما و امامان مساجد حنفی ها و سایر سنی مذهبیان شکایه ها ، گلایه ها و پیشنهاد های شان را به خصوص در مورد آزادی های مناسک مذهبی به مقامات دولتی ایران تا مرجعیت ولایت فقیه ارائه داشتند، اما کجاست گوش شنوا! این است نمونه های عناوین پیشنهادات، اعتراضات و دادخواهی های سنی مذهبیان که از چند سال به این سو از طریق رسانه ها انتشار یافته است:

\* - اعتراض مولوی عبد الحمید به جلوگیری از برگزاری نماز عید اهل سنت

\* - یزرگان نظام، رفع تبعیض کنند

\* - پاسخ استاندار تهران به اعتراض مولوی عبد الحمید

\* - اعتراض بی پاسخ به جلوگیری از اقامه نماز عید فطر اهل سنت در تهران

\* - اعتراض مولوی عبد الحمید به تخریب نمازخانه اهل سنت در تهران ... و

تا جایی که نویسنده اطلاع دارد، در اکثر شهرها و مناطق ایران وبه ویژه درتهران عبادتگاه های زرتشتی ها، کلیساهای نصرانی ها و کنیسه های یهودی ها وجود دارند. پرسش به میان می آید؛ آیا سنی مذهبیان آنقدر از اسلام دور اند و دشمن اسلام اند که در پایتخت یک کشور اسلامی مسجد نداشته باشند؟ دوگانگی سیاست در کجاست؟ از سویی چند روز قبل خبر ذیل به تاریخ 04/05/1394 از طریق خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نشر رسیده که قسمتی از آن را درین جا می آوریم:

**(اسقف اعظم ارمنه تهران گفت: کشور ایران امن ترین کشور برای تمامی ادیان برای راز و نیاز است .**

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه آذربایجان غربی ، سیو سرکیسیان در دیدار با مدیرکل دفتر سیاسی وزارت کشور که در قره کلیسای شهرستان چالدران صورت گرفت، ضمن تقدیر و تشکر از مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص برگزاری هر چه بهتر مراسم مذهبی قره کلیسا و حفظ و مرمت کلیساهای موجود در کشور،گفت: این کار نشان از توجه مسئولین جمهوری اسلامی به حقوق اقلیتهای مذهبی است...)

پیش از آنکه انقلاب اسلامی در ایران به ثمر برسد، آقای خمینی حمایتش را از فلسطین و آزادی مردم آن اعلان کرده بود. از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون بزرگترین حامی فلسطین، جمهوری اسلامی ایران به شمار میرود. پرسش درین جاست؛ آیا حمایت جمهوری اسلامی به خاطر مسلمانان فلسطین است و یا حراست از مسجد اقصی؟ اغلب به نظر می رسد که هر دو. یعنی هم به خاطر مسلمانان و هم به خاطر مسجد اقصی که نخستین قبله مسلمین بود. هرگاه این قضیه را در مقایسه با روش جمهوری اسلامی ایران با سنی مذهبیان داخل ایران مورد بررسی قرار دهیم، دیده میشود که اکثریت مردم فلسطین سنی مذهب اند، اگر مسجد اقصی در نظر گرفته شود، در اکثر خیابان های ایران این نوشته به نظر می رسد: (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) . پس چه دلیل است که جمهوری اسلامی، مسلمانان (سنی) فلسطین و مسجد اقصی را حمایت می کند، اما سنی ها و مسجد سنی ها را در ایران که دران جا عبادت خدا، خوانش قرآن و پیروی از آیین محمد(ص) صورت می گیرد، با چنین وضعی مواجه می باشد؟

ما فرزندان افغانستان امروز، خراسان دیروز و آریانای قدیم هستیم. ریشه های نژادی، زبانی و فرهنگی مردم ما و ایران به آریانای باستان می رسد. اما دین ما ( افغانستان و ایران...) همان اسلامی است که با فتوحات اسلامی، نه چندان متفاوت از نگاه زمانی در سرزمین های ما (ایران و افغانستان) ترویج شد. از جانبی آیین اسلام وحدت دین باوری مسلمین را در دنیا گسترش داد. به همین دلیل است که از قدیم، مسلمان های افغانستان اعم از سنی و شیعه با همدیگر پذیری اسلامی زیست باهمی کرده اند. دختر داده اند و دختر گرفته اند، پیوند های خونی با هم بسته اند، در مراسم مذهبی همدیگر اشتراک کرده اند و در نهایت تفاوت های مذهبی را بسیار روبنایی توصیف می کنند. از جانبی به مشاهده می رسد که قزلباشان ( به تاسی از نوشته آقای عشیق در شماره ۲۰۵ هفته نامه افق) طی سده های اخیر نزد سلاطین و امرا مراتب و مقامهای عالی دولتی داشتند و حتی قرابت های خانوادگی با سلاطین و امرا بستند. ( فاجعه هزاره ستیزی امیر عبدالرحمن و بقایای آن) بحث علیحده است. از آن گذشته سنی ها و شیعه های هموطن خویش را در استرالیا و از جمله مرکز اسلامی و مسجد نبی اکرم(ص) در شهرک گرانویل حومه سیدنی مورد توجه قرار می دهیم. این مرکز و مسجد به وسیله برادران شیعه ما آباد شده است، بار بار سنی ها با پیش نمازی امام حنفی نماز شان را درین مسجد با جماعت ادا کرده اند. ختم های قرآن عظیم الشان، مراسم فاتحه خوانی، مراسم مذهبی و ... اجرا شده است. هیچ وقت بوی نفاق میان شیعه و سنی دران مکان مقدس استشمام نشده. پیروان مذهب جعفری و حنفی همدیگر را دوست دارند، در غم و شادی شریک هستند، مراسم عبادی خود را انجام میدهند و ... همچنان عین روحیه در مساجد حنفی مذهبیان ما وجود دارد، چه جای آنکه در اعمار مساجد از هیچگونه همکاریهای مادی و معنوی بر همدیگر، دریغ نمی کنند. از یاد نبریم، به قول یک تعداد اشخاص کم مایه؛ که استرالیا را سرزمین (کفر) می پندارند و خوشا به این کافر ها که به مسلمانها در ساختن و ساز مساجد، مراکز اسلامی، آموزش های دینی و ده ها مورد دیگر کمک های دولتی می کنند. پس دیده می شود، جفایی را که مسلمانها!! با استبداد مذهبی ، علیه اسلام انجام میدهند، بسیار شنیع و از اسلام بسیار فاصله دارد.

**من از بیگانه گان هرگز ننالم      که بامن هرچه کرد آن آشنا کرد**